

جهانی شدن اقتصاد و سازوکارهای بین المللی

ناصر بهرنگی نیا
(فوق لیسانس اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)

توسعه یافتگی و امکانات مادی و معنوی و انسانی قابل حصول همواره تلاش نموده است به سطوح بالاتر رشد و رفاه دست یابد و همواره کوشیده است با شناخت پدیده‌های اقتصادی و قانونمندی‌های حاکم بر آن با تخصیص بهینه منابع حداکثر کارایی را در تولید و مصرف نصیب خود نماید. در این فرآیند سه نوع برنامه ریزی را تجربه کرده است و در این راستا سیستم‌های اقتصادی، به اقتصاد مبتنی بر بازار، اقتصاد برنامه ریزی متمرکز و اقتصاد مختلط تقسیم شده است. اقتصاد سرمایه داری محض (اقتصاد مبتنی بر بازار بدون کنترل) شکست بازار را تجربه نموده و اقتصاد برنامه ریزی متمرکز نیز به فرو پاشی انجامیده و آنچه باقیمانده یک واقعیت است و آن اقتصاد مختلط یا اقتصاد بازار تحت کنترل است و از نظر اقتصادی رفتار حداکثر سازی بشر موجب شده تا جوامع در سیر تکاملی خود و گذر از مراحل عصر شکار، عصر چرا و دامداری، عصر کشاورزی، عصر بازرگانی، عصر صنعت و بالاخره عصر فن آوری و اطلاعات برای دولت نقش قائل شود و امروزه در سطح اقتصاد ملی انتخاب ترکیب مطلوب دولت، بازار از مهمترین و جدی ترین مباحث اقتصادی است و سخن اصلی این است که با توجه به تجارب شکست بازار و شکست دولت، چگونه منابع محدود جامعه برای تولید و خدمات مختلف مورد نیاز با ترکیب مطلوب دولت و بازار مورد استفاده قرار گیرد تا حداکثر رفاه اقتصادی برای جامعه حاصل شود. نتایج دو قرن آزمون عملی و تجارب اقتصادی نظریه‌ها نشان می‌دهد که سیستم تخصیص منابع مبتنی بر اقتصاد بازار که در آن قیمت‌ها به وسیله نیروهای عرضه و تقاضا در بازار تعیین می‌شوند کاراتر از سایر

این مطلب با مروری بر فرآیند جهانی شدن اقتصاد و نقش سازمان‌های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و بانک جهانی، گات و سازمان تجارت جهانی در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی بین المللی، تصویری از این فرآیند و ابعاد آن بر مبنای شاخص‌های مختلف اقتصادی ارائه می‌دهد.

ضرورت جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن پدیده‌ای است که دارای ابعاد گوناگون است و جهانی شدن اقتصاد یکی از ابعاد این پدیده است. از این پدیده برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. گروهی آن را یک تله می‌نامند که به افزایش شکاف می‌انجامد و تهدید جدی برای رفاه و دموکراسی است. گروه دیگر آن را یک افسانه می‌دانند که انگیزه آن تقسیم ثروت عظیم جهان به زیان تهیدستان و به سود ثروتمندان است. و بالاخره گروه سوم جهانی شدن را یک واقعیت می‌دانند که دارای هم تهدید و هم فرصت است و این گروه طالب سیاستی فعال در سطح جهانی و ملی هستند.

با توجه به منابع اقتصادی محدود از طرفی و نیازهای نامحدود بشری از طرف دیگر با وجود رشد جمعیت و افزایش مداوم تقاضا، یکی از مسائل اساسی اقتصاد برای ایجاد رشد و توسعه جهت تأمین حداکثر رفاه اقتصادی جامعه بشری تخصیص بهینه منابع اقتصادی است و تحقق این هدف در گرو وجود بازارهای کارآمد است. بشر در طول تاریخ با سیر تکاملی به نسبت درجه



نظام هاست. در این سیستم مکانیزم قیمت‌ها نقش تعیین کننده اصلی در تخصیص بهینه منابع^(۱) و کارایی اقتصادی^(۲) ایفا می‌کند.

در نظام اقتصاد بازار، چهار بازار قابل تفکیک است و عبارت‌اند از بازار کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و بازار سرمایه. بازارها از ارکان اساسی اقتصاد به شمار می‌روند و لازمه رشد و توسعه اقتصادی وجود بازارهای سازمان یافته و کارآمد و نهادهای کارا است. امروزه تخصیص بهینه منابع در سطح بین الملل و کسب حداکثر فایده اقتصادی برای جامعه ملل، جهانی شدن اقتصاد را الزامی می‌سازد و اکنون بشر تجربه جدیدی را پیش رو دارد و آن تلفیق بازارهای اقتصاد ملی کشورها و یکپارچه شدن بازارها مبتنی بر اقتصاد بازار و طراحی بخش عمومی بین المللی و نهادهای مکمل بازار جهانی برای ایجاد حداکثر کارایی در اقتصاد جهانی است. بدیهی است که این تجربه نیز فراز و فرودهایی را به همراه خواهد داشت و در این فرآیند کشورهای که از اقتصاد ملی توانمندی برخوردار هستند با طراحی ساز و کارهای مناسب جهانی شدن اقتصاد را به فرصت تبدیل خواهند کرد و از مزیت‌های آن بهره مند خواهند شد و در کشورهایی که اقتصاد ملی از کارآمدی لازم برخوردار نباشد جهانی شدن اقتصاد منافع آنان را تهدید خواهد کرد. در این روند تکاملی نیز، همانطور که دولت توانمند به عنوان نهاد مکمل در کارآمد نمودن اقتصاد بازار داخلی نقش مهمی ایفا میکند در فراهم نمودن ساز و کارهای مناسب و وضع قوانین و مقررات که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد به عنوان یک عامل تسریع و تسهیل کننده برای ورود اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی و کسب حداکثر منافع اقتصادی و اجتماعی از آن نقش حیاتی ایفا خواهد نمود.

فرآیند تاریخی جهانی شدن اقتصاد

برخی معتقد هستند جهانی شدن حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد و با پیدایش مدرنیسم جهانی شدن نیز شکل گرفته است و مدرنیسم جریانی بود که در غرب آغاز شد. برخی دیگر معتقد هستند جهانی شدن فی نفسه جریان جدید است و دارای زمینه‌های تاریخی نمی‌باشد. علی‌هذا شرایط اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم را نمی‌توان در ظهور پدیده جهانی شدن نادیده گرفت.

با وقوع بحران بزرگ اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ که از آمریکا آغاز شد و به سرعت تمام دنیای سرمایه داری غرب را فرا گرفت بسیاری از ممالک سیاست‌های حمایت‌گرایی از اقتصاد ملی را در پیش گرفتند و محدودیت‌های تجاری و ارزی را در سیاست‌های راهبردی خود قرار دادند و با اقدامات مشابه توسط بسیاری از کشورها منجر به کاهش حجم تجارت بین الملل، تنزل اشتغال و عدم تخصیص مطلوب منابع در سطح جهانی شد تا اینکه با وقوع جنگ جهانی دوم اقتصاد بسیاری از کشورها متلاشی شد. به این ترتیب برای خروج از شرایط اسفناک اقتصادی تلاش وسیعی برای جلب همکاری بین المللی بعمل آمد و یک احساس عمومی و روحیه تعاون و همکاری و تفاهم کلی در سطح بین الملل برای قانونمند کردن تجارت بین الملل بوجود آمد و اقتصاد جهان دستخوش تحولی عظیم شد و بسط مناسبات تجاری، پیشرفت علوم و فنون، ضرورت اجتناب از جنگ و احساسات بشر دوستانه موجب ایجاد، گسترش و تقویت سازمان‌های بین المللی در نیمه دوم قرن بیستم شد و روند جهانی شدن اقتصاد به طور جدی آغاز شد و گسترش تجارت میان ملل مختلف، ایجاد نهادهای بین المللی را برای تقویت همکاری‌های بین المللی الزامی ساخت.

در سال ۱۹۰۹ میلادی تعداد ۳۷ سازمان بین دولتی (IGO) وجود داشت و تا سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۲۶۰ سازمان بین دولتی به وجود آمد (Held et al, 1999) از مهمترین نهادهای اقتصاد بین الملل که پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شد و موجب سوق دادن اقتصاد جهانی به سوی یکپارچگی و نیز وابستگی متقابل اقتصادی کشورها گردید می‌توان صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان ملل متحد و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) که در سال ۱۹۹۵ میلادی جای خود را به سازمان تجارت جهانی (WTO) داد را نام برد. جهانی شدن اقتصاد در مقطع زمانی یاد شده (دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۹۰ میلادی) عمدتاً جنبه اقتصادی داشت و متأثر از برنامه ریزی‌های اقتصادی کشورهای غربی بود از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی وضعیت کاملاً با گذشته فرق کرده است و پدیده جهانی شدن تمامی جنبه‌های زندگی انسان را در بر گرفته است و روند جهانی شدن اقتصاد شتاب بیشتری گرفته است در این دهه الگوی توسعه دولت محور دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در سطح اقتصاد ملی جای خود را به الگوی دولت حداقل و توسعه اقتصاد بازار محور داده است و سیاست‌های خصوصی سازی و کوچک سازی دولت‌ها در برنامه سیاست‌های اقتصادی قرار گرفته و سرعت در هم آمیزی اقتصاد جهان نیز افزایش یافته است. از بارزترین نشانه‌های فرآیند ادغام اقتصاد جهانی، بین المللی شدن بازارها و منابع مالی در فراسوی مرزهای ملی است و فراتر از دولت‌های ملی، تعداد زیادی از نهادهای بین المللی مانند صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB)، سازمان تجارت جهانی (WTO) سازمان ملل متحد (UN) و کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD) و همچنین همکاری‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، جامعه کشورهای آسیای جنوب شرقی (ASEAN) اتحادیه اروپایی (EU) موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی و ده‌ها سازمان منطقه‌ای دیگر در اقتصاد جهانی نقش ایفا می‌کنند و تعداد شرکت‌های چند ملیتی به طور قابل ملاحظه‌ای در سطح جهان گسترش یافته و نبض اقتصاد جهانی را در اختیار گرفته اند.

امروز وضعیت کاملاً فرق کرده است. در جغرافیای سیاسی و اقتصادی تحولات عظیمی رخ داده است. تغییرات سیاسی، جریان اطلاعات و حضور بسیار زیاد شرکت‌های فراملیتی را از علل مهم شتاب گرفتن جهانی شدن اقتصاد می‌توان دانست. اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشیده و جنگ سرد خاتمه یافته است. از زمان سقوط کمونیسم کشورهای بلوک شوروی سابق به طرف سیستم‌های اقتصادی و سیاسی غربی حرکت می‌کنند کلیه کشورهایی که قسمتی از بلوک شوروی سابق را تشکیل می‌دادند شامل اتحاد جماهیر شوروی سابق به دنبال ادغام در تجارت جهانی هستند سقوط کمونیسم فرآیند جهانی شدن را سرعت بخشیده و در عین حال خود نتیجه جهانی شدن تلقی می‌شود. چین اصلاحات بنیادی اقتصادی را شروع کرده است. ژاپن، کشورهای آسیای شرقی و سپس کشورهای جنوب شرقی آسیا، سیاست‌های برون‌گرا و راهبرد اقتصاد آزاد را در پیش گرفته‌اند. کشورهای آمریکای لاتین سیاست‌های مشابه را اتخاذ نموده‌اند و تعرفه‌ها در اقتصادهای پیشرفته کمتر شده و انتقال سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت آزاد شده و میزان ارز توسط عوامل مؤثر بازار تعیین می‌شود و به این ترتیب جهانی شدن اقتصاد در دوره‌ای از شتاب قرار گرفته است و به سرعت به سوی بلوغ رشد می‌کند.

گسترش فن آوری اطلاعات امکان ارتباط بین افراد ملل دنیا را توسعه

داده است و وسایل ارتباط جمعی با انتقال اخبار و اطلاعات مسائل جهانی را به داخل خانوارها برده و آن‌ها را با دنیای خارج مرتبط نموده است و دهکده جهانی در حال تبدیل به خانوار جهانی است.

نهادهای بین المللی جهانی شدن اقتصاد و اهداف آن‌ها

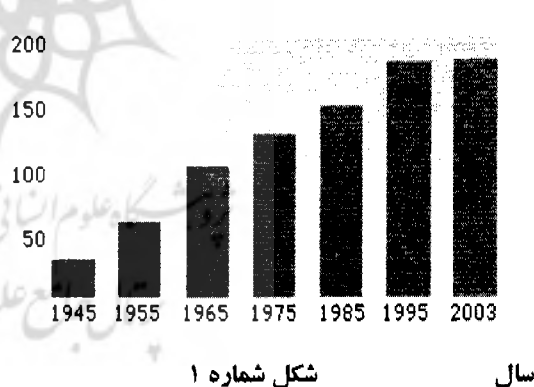
۱- صندوق بین المللی پول

موافقت برای تاسیس یک سازمان بین المللی در سال پایانی جنگ جهانی دوم در کنفرانس برتون وودز (۳) در ایالت نیو همپشایر آمریکا حاصل شد که با حضور ۴۴ کشور در سال ۱۹۴۴ میلادی تشکیل شد و محصول آن تاسیس صندوق بین المللی پول است که در سال ۱۹۴۵ رسماً موجودیت یافت. از اهداف تاسیس صندوق، همکاری میان اعضاء درباره مسائل پولی بین المللی، تثبیت میزان ارز و نظام ارزی، تسریع رشد اقتصادی و هدایت آن، کمک به افزایش اشتغال در سطح بین الملل و تأمین منابع مالی برای اعضاء برای کمک به تصحیح عدم تعادل تراز پرداخت‌ها بوده است. صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۳ میلادی دارای ۱۸۴ عضو بوده که روند پیوستن کشورها به این نهاد بین المللی در نمودار (۱) نشان داده شده است. رئوس کلی برنامه پیشنهادی صندوق بین المللی پول به کشور متقاضی وام عبارت‌اند از: عدم کنترل قیمت‌ها، عدم کنترل سرمایه‌های خارجی، عدم کنترل ارز، حذف یارانه‌ها از بودجه و در نهایت استقرار نظام اقتصاد بازار می باشد.

۲- بانک جهانی

بانک بین المللی ترمیم و توسعه که به بانک جهانی معروف شده است

نمودار (۱): تعداد کشورهای عضو صندوق بین المللی پول (IMF) تعداد

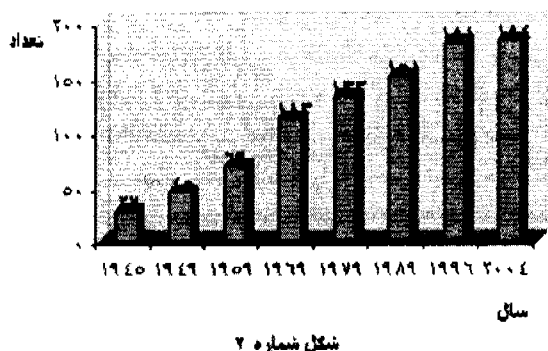


شکل شماره ۱

سال

برنامه‌های توسعه و سیاست سرمایه‌گذاری کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس جزئیات اعطای وام در موافقتنامه وام درج می‌شود. همچنین بانک جهانی اقدام به ارائه کمک‌های فنی و طرح برنامه‌ها در سطوح کلی، تحلیل وضعیت اقتصادی و شیوه‌های پیشبرد و تسریع در میزان رشد می‌کند. تعداد اعضای بانک جهانی از ۴۴ کشور در سال تاسیس به ۱۸۴ کشور در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است روند افزایش عضویت در

نمودار (۲): تعداد کشورهای عضو بانک جهانی (WB)



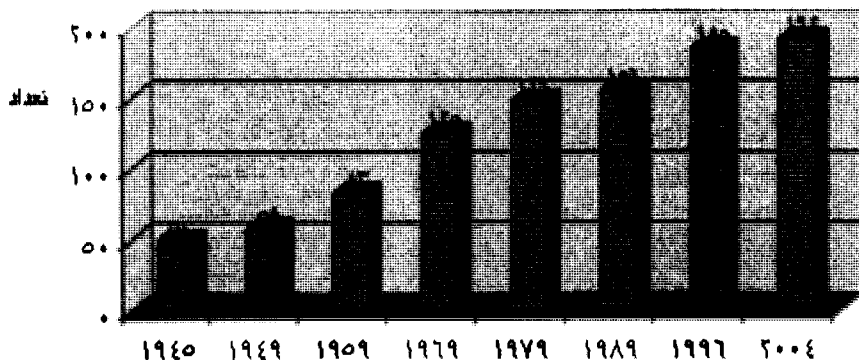
شکل شماره ۲

بانک جهانی در نمودار (۲) نشان داده شده است.

۳- سازمان ملل متحد

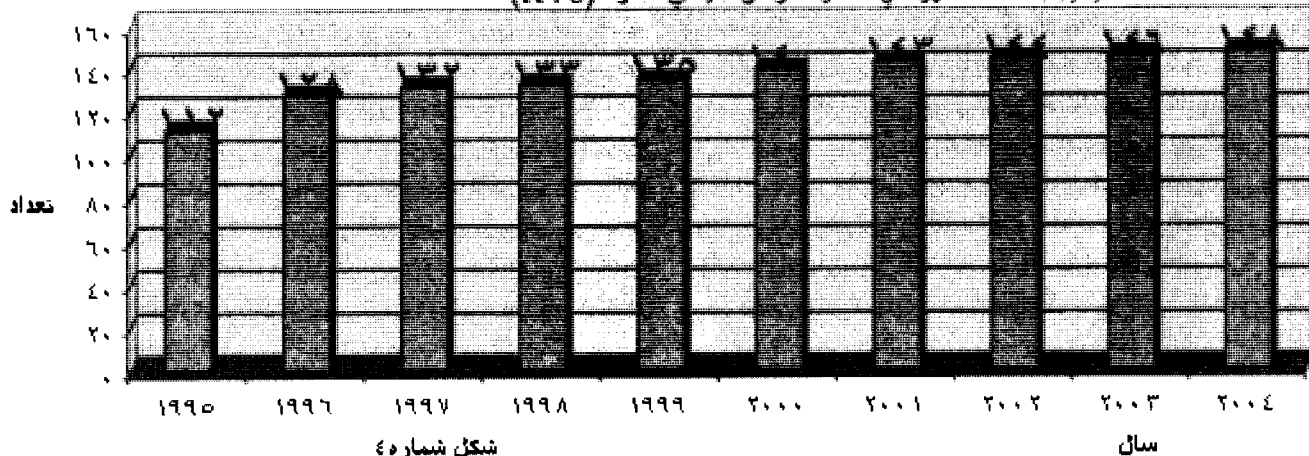
سازمان ملل متحد بر اساس ابتکار متفقین در جنگ بین الملل دوم به وجود آمد، مبنای اولیه سازمان مذکور منشور آتلانتیک مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ است که در آن روزولت و چرچیل در دستیابی به سیستم امنیت و صلح مداوم بین المللی به توافق رسیدند. در منشور مذکور بر تجارت آزاد بین الملل و همکاری‌های متقابل دولت‌ها در زمینه‌های اقتصادی نیز تأکید شده است. کشورهای آمریکا، شوروی سابق، چین و انگلستان در بیانیه مسکو مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ میلادی در مورد تاسیس سازمانی در سطح بین الملل به توافق رسیدند تا اینکه ۴۵ نماینده از کشورهای مختلف در اجلاس سانفرانسیسکو که نمایندگان کشورهای پیروز در جنگ نیز در آن شرکت داشتند منشور ملل متحد را به امضاء رساندند این منشور در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ پس از تصویب تعداد مورد نیاز از کشورها لازم‌الاجرا شد. تعداد اعضای سازمان ملل از ۵۰ کشور مستقل در سال ۱۹۴۵ به ۱۹۲ کشور در سال ۲۰۰۴ میلادی افزایش یافته است.

نمودار (۳): تعداد کشورهای عضو سازمان ملل متحد (UN)



در سال ۱۹۴۴ میلادی همزمان با تاسیس صندوق بین المللی پول پایه‌گذاری شد هدف اولیه از تاسیس بانک کمک مالی به بازسازی و ترمیم خساراتی بود که کشورها در طی جنگ جهانی دوم متحمل شده بودند هدف اصلی بانک جهانی این است که برای طرح‌های عمرانی یا بازسازی که جنبه تولیدی داشته باشد به اعطای وام یا تضمین وام بپردازد. بانک جهانی نیز همانند صندوق بین المللی پول برای پرداخت وام، قبلاً وضعیت اقتصادی، تراز پرداخت‌ها،

نمودار (۴): تعداد کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت (WTO)



شکل شماره ۴

روند افزایش عضویت در نمودار (۳) نشان داده شده است. مجمع عمومی یکی از ارگان‌های اصلی سازمان ملل متحد است و می‌تواند در مورد مسائل مختلفی از جمله مسائل و موضوعات اقتصاد بین الملل تحقیق و بررسی نماید. بهبود سطح زندگی ملل مختلف جهان، ایجاد اشتغال و فراهم آوردن زمینه مناسب برای دستیابی به رشد مطلوب اقتصادی از جمله اهداف اقتصادی مجمع عمومی می‌باشد. مجمع عمومی در سال‌های اخیر به تقاضای کشورهای در حال توسعه برای به وجود آوردن نظام نوین اقتصاد بین المللی اقدام به تشکیل جلسات مختلف نموده است.

حاکمیت قانونی در تجارت بین المللی ایجاد می‌کند در گات آزاد سازی تجارت خارجی تنها شامل بخش صنعت می‌شود اما در (WTO) علاوه بر بخش صنعت آزاد سازی به دو بخش کشاورزی و خدمات نیز تعمیم داده می‌شود اهداف سازمان تجارت جهانی به طور کلی عبارت است از:

آزاد سازی تجارت خارجی و حذف کلیه عوارض و تعرفه های گمرکی، آزاد سازی میزان کالا و خدمات، حذف کلیه یارانه های غیر مستقیم، آزاد سازی میزان ارز، آزاد سازی میزان بهره، لغو انحصارات، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار، عدم مداخله دولت در اقتصاد.

روند افزایش عضویت در نمودار (۳) نشان داده شده است. مجمع عمومی یکی از ارگان‌های اصلی سازمان ملل متحد است و می‌تواند در مورد مسائل مختلفی از جمله مسائل و موضوعات اقتصاد بین الملل تحقیق و بررسی نماید. بهبود سطح زندگی ملل مختلف جهان، ایجاد اشتغال و فراهم آوردن زمینه مناسب برای دستیابی به رشد مطلوب اقتصادی از جمله اهداف اقتصادی مجمع عمومی می‌باشد. مجمع عمومی در سال‌های اخیر به تقاضای کشورهای در حال توسعه برای به وجود آوردن نظام نوین اقتصاد بین المللی اقدام به تشکیل جلسات مختلف نموده است.

۴- موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)

بنابراین بر اساس اصول فوق الذکر امکان مبادله آزاد کالا و خدمات موجب می‌شود فقط تولید کنندگانی در صحنه اقتصاد باقی بمانند که پایین ترین هزینه تولید را دارند و با برداشتن کلیه مرزهای اقتصادی و حذف کلیه تعرفه‌ها به درستی مشخص می‌شود که چه کشوری در تولید کدام کالا دارای مزیت نسبی است. لذا تولید کنندگانی که نمی‌توانند هزینه تولید را کاهش دهند، از صحنه اقتصادی حذف می‌شوند و بدین وسیله صنایع ناکارآمد از صحنه رقابت خارج می‌شوند. هدف ایجاد شرایط مساوی برای تمام کشورها است تا کالا با بهترین کیفیت و ارزان ترین قیمت نصیب مصرف کننده شود. با حذف یارانه‌های غیر مستقیم و لغو انحصارهای دولتی و خصوصی، مکانیزم عرضه و تقاضا نقش اصلی را ایفا می‌کند و به طور کلی سازمان تجارت جهانی پدیده جهانی شدن اقتصاد را تبلیغ می‌کند. عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنی حذف بخش‌های خصوصی غیر کارآمد از حیات اقتصادی است. لازم به اشاره است اصول فوق برای کشور متقاضی عضویت قابل مذاکره، مصالحه و چانه زنی است. هر کشور متقاضی در تناسب با شرایط داخلی خود می‌تواند با مذاکره و چانه زنی به امتیازات ویژه‌ای دست یابد. عدم عضویت در این سازمان به گونه‌ای انزوا در اقتصاد جهانی خواهد بود. این سازمان در ۱۳ اکتبر سال ۲۰۰۴ میلادی دارای ۱۴۸ کشور عضو بوده و ۳۰ کشور نیز عضو ناظر می‌باشند و منتظر الحاق به WTO هستند. روند افزایش عضویت کشورها در نمودار (۴) نشان داده شده است.

این موافقتنامه در سال ۱۹۴۷ میلادی به امضاء نمایندگان ۲۳ کشور عضو رسید. هدف اصلی گات ایجاد نظام آزاد اقتصاد بین المللی بوده که در آن دخالت دولت‌ها در امور تجاری حداقل بوده، به گونه‌ای که بنگاه‌های تولیدی از قدرت رقابتی یکسان برخوردار باشند. اصول حاکم بر این توافقنامه عبارت بودند از: اصل دولت کامله الوداد، اصل تسری رفتار داخلی، کاهش عوارض گمرکی، ممنوعیت برقراری محدودیت‌های مقداری، تنظیم قواعد و مقررات صادراتی.

مذاکرات دور توکیو (۷۹-۱۹۷۳) به نتایج بسیار مثبتی انجامید که از جمله کاهش عوارض گمرکی، حذف و کاهش محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای، تجارت آزاد در خصوص حمل و نقل هوایی غیر نظامی را می‌توان نام برد. ظاهراً بیش از همه، کشورهای در حال توسعه از مذاکرات منتفع گردید چرا که سه چهارم عوارض گمرکی در کشورهای صنعتی برای محصولات کشورهای در حال توسعه حذف شد. در گات هشت دور مذاکرات تجاری چند جانبه وجود داشت که آخرین آن مذاکرات دور اوروگوئه از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ بوده است در آخرین دور مذاکره آزاد سازی بیشتر اقتصاد تشویق شد و دامنه عمل گات به حوزه‌های جدید گسترش داده شد.

۵- سازمان تجارت جهانی (WTO)

مبانی تحلیلی و سیاست تجاری

تجارت آزاد در مقابل تجارت حمایتی از قدیمی ترین مباحث تجارت بین الملل است. برای اولین بار آدام اسمیت پایه گذار مکتب کلاسیک در

این سازمان در اول ژانویه سال ۱۹۹۵ جایگزین گات شد سازمان تجارت جهانی تصدی قواعد جدید تجارت جهانی، مورد توافق در مذاکرات دور اوروگوئه (GATT) را که در همان زمان به اجرا درآمد برعهده دارد این قواعد که پس از هفت سال مذاکره میان بیش از ۱۲۰ کشور حاصل شد یک

کتاب ثروت ملل (سال ۱۷۷۶ میلادی) توصیه نمود هرگز سعی نکنید آنچه را که می توانید با هزینه کمتر خریداری نمایید خودتان تولید کنید. به نظر آدام اسمیت یک کشور باید منابع خود را در تولید کالایی مورد استفاده قرار دهد که دارای مزیت است و در کتاب ثروت ملل به این نکته اشاره کرد که تقسیم کار توسط اندازه بازار محدود شده است برای یک بنگاه اندازه بازار یک عامل تعیین کننده در تنوع بخشیدن به محصولات تولیدی بنگاه و تحقق صرفه جویی ناشی از مقیاس می باشد. تقسیم کار و تخصص منجر به افزایش بهره وری و افزایش رفاه ملل می شود. ریکاردو این دیدگاه را اصلاح کرد و توجه خود را به تفاوت نسبی در بهره وری نیروی کار (تولید در هر ساعت) در تولید دو کالا در دو کشور کرد و مزیت نسبی را جایگزین مزیت مطلق نمود. در الگوی ریکاردو و کشوری که در تولید دو کالا از بهره وری بیشتری برخوردار است. بهره وری نیروی کار در این کشور در تولید یک کالا به طور نسبی بالاتر است و این کشور در تولید کالایی مورد نظر دارای مزیت نسبی است و لذا مبادرت به صدور آن کالا می نماید و کشوری که در تولید هر دو کالا دارای عدم مزیت است ولی عدم مزیت آن کشور در تولید یک کالا نسبت به کالای دیگر کمتر است یعنی از مزیت نسبی در تولید یک کالا برخوردار است و این کشور نیز به تولید و صدور کالایی مبادرت می کند که از عدم مزیت کمتری در تولید آن کالا برخوردار است.

اصل مزیت نسبی در واقع یک قاعده کارایی برای حداکثر کردن ستانده (واردات) به ازای هر واحد نهاده (صادرات) می باشد. اصل مزیت نسبی توسط هکشر و اوهلین اصلاح شده و با شناسایی کلیه عوامل تولیدی که می تواند مورد استفاده قرار گیرد با شرایط جدید مطابقت داده شد و نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین بر نسبت های عوامل تولید در تولید محصولات مختلف در کشورهای مختلف متمرکز می باشد در نتیجه عامل اساسی تعیین کننده مزیت نسبی یک کشور بر خورداری نسبی از عوامل تولید است. به نظر اقتصاددانان کلاسیک آزادی تجارت موجب می شود هر دو کشور از منافع حاصل از تجارت بهره مند شوند.

نکته مهم این است که منافع حاصل از تجارت منافع دو طرفه در یک بازی با جمع مثبت^(۱) می باشد. و با توجه به شدت نسبی شرایط عرضه و تقاضا، یک کشور ممکن است منافع بیشتری از تجارت نسبت به کشور دیگر

بدست آورد. ولی هنوز دو کشور در مقایسه با شرایط قبل از تجارت منافع بیشتری بدست خواهند آورد. نفع بدست آمده از تجارت مربوط به کالای قابل واردات است. صادرات را می توان به عنوان کالای مورد استفاده برای تولید کالای قابل واردات مدنظر قرار داد.

جهانی شدن و ابعاد آن

جهانی شدن مجموعه ای از فرآیند غیر قابل پیش بینی است، کنترل آن سخت است و ریسک های جدید را افزایش می دهد که همه افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. جهانی شدن به این حقیقت اشاره دارد که همه ما با حذف موانع مختلف سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی در جهانی زندگی می کنیم که به طور فزاینده افراد گروه ها و ملل مختلف بیشتر به یکدیگر وابسته می شوند.

اغلب جهانی شدن به عنوان پدیده اقتصادی تلقی می شود. شرکت های چند ملیتی (TNC) نقش مهمی در این راستا ایفا می کنند و عملیات انبوه آنان در آن سوی مرزهای ملی فرآیند تولید جهان و توزیع بین المللی نیروی کار را تحت تاثیر قرار می دهد. ادغام الکترونیکی بازارهای مالی جهان، جریان سرمایه و حرکت آزاد انبوه کالا و خدمات و آزادی تجارت جهانی از ویژگی های جهانی شدن اقتصاد است. اگر چه نیروهای اقتصادی از عوامل اصلی جهانی شدن است، اما اشتباه است اگر تصور کنیم تنها عامل جهانی شدن اقتصاد است، جهانی شدن با هم پیوندی عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوجود می آید.

رشد ارتباطات جهانی با پیشرفت های مهم در فن آوری و شالوده مخابرات جهان امکان پذیر شده است، بعد از جنگ جهانی دوم تحول شدیدی در این حوزه بعمل آمد، پیشرفت فن آوری کابل، توسعه کابل فیبر نوری، ایجاد و توسعه شبکه های ماهواره ای، انتقال اطلاعات را در سراسر جهان امکان پذیر ساخت و ملل مختلف را از طریق رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی از قبیل خطوط تلفن، تلگراف، فکس، تلویزیون، ماهواره، پست الکترونیکی و اینترنت با یکدیگر پیوند داد و در زیر یک چتر واحد قرار داد. اثر توسعه سیستم ارتباطی در پدیده جهانی شدن حیرت آور است، توسعه فن آوری زمان و مکان را متراکم کرده است و امتناع از ورود به آن برای هر جامعه ای سلب شده است.

جهانی شدن با ادغام اقتصاد ملی کشورها در یکدیگر پیش می رود. بر خلاف دوران های قبل، اقتصاد جهانی مبتنی بر پایه کشاورزی یا صنعتی نیست بلکه در عصر حاضر با جهانی شدن اقتصاد، فعالیتی غالب است که بی وزن و نامحسوس است (Quah, 1999).

اقتصاد بی وزن از ویژگی های محصول جهانی شدن اقتصاد است، این محصول مبتنی بر اطلاعات، مانند نرم افزار رایانه، رسانه و محصولات سرگرمی و تفریح و خدمات اینترنت می باشد و این شرایط جدید اقتصادی با استفاده از اصطلاحات زیادی از قبیل جامعه فرا صنعتی، عصر اطلاعات و عموماً امروز با دانش اقتصادی توضیح داده می شود.

۱- آزاد سازی تجاری

اقتصاد دهه ۱۹۹۰ بسیار متفاوت از اقتصاد جهانی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی است مهمترین تغییر وسعت و دامنه جهانی شدن در ابعاد مختلف به ویژه اقتصادی است. عوامل گوناگون از جمله ایجاد سازمان تجارت جهانی (WTO)،^(۲) یک قطبی شدن نظام اقتصادی جهانی، افزایش بلوک بندی های اقتصادی از قبیل جامعه ملت های آسیای جنوب شرقی (ASEAN)،^(۳) سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD)،^(۴) کمیسیون اقتصادی و اجتماعی منطقه اقیانوس آرام (ESCAP)،^(۵) موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی



(NAFTA)^(۶) اتحادیه اروپایی (EU)^(۷) در آزاد سازی تجارت جهانی موثر بوده و موجبات ادغام اقتصاد ملی در نظام اقتصاد بین المللی را فراهم کرده است. شرکت های چند ملیتی با روند رو به گسترش شتابان با معاملات فراملیتی به بازیگران عمده در بازارهای مالی بین المللی در اقتصاد جهانی تبدیل شده اند و دوسوم تجارت جهانی را به خود اختصاص می دهند آن ها رکن اصلی اقتصاد جهان معاصر هستند. (Held et al, 1999:282) به طوری که در سال ۱۹۹۶ میلادی حدود ۴۰۰ شرکت فراملیتی بیش از ده میلیارد دلار فروش سالانه داشتند در صورتی که در آن زمان فقط ۷۰ کشور دارای تولید ناخالص ملی در این حد بودند، به عبارت دیگر شرکت های رهبر فراملیتی از نظر اقتصادی از بسیاری از کشورهای جهان بزرگتر هستند و عملیات انبوه آنان موجب افزایش حجم تجارت بین الملل و وابستگی کشورها شده است. در زیر مقدار فروش تعدادی از شرکت های فراملیتی با برخی از کشورهای منتخب دنیا در سال ۱۹۹۷ میلادی مقایسه شده است.

شرکت جنرال موتور	۱۶۴ میلیارد دلار
تایلند	۱۵۴ میلیارد دلار
نروژ	۱۵۳ میلیارد دلار
شرکت فورد موتور	۱۴۷ میلیارد دلار
عربستان سعودی	۱۴۰ میلیارد دلار
شرکت میتسوبیشی	۱۴۰ میلیارد دلار
آفریقای جنوبی	۱۲۹ میلیارد دلار
شرکت رویال داچ شل	۱۲۸ میلیارد دلار
شرکت تویوتا موتور	۱۰۹ میلیارد دلار
مالزی	۹۸ میلیارد دلار

جهانی شدن اقتصاد یک فرآیند تاریخی است و حاصل تلاش، نوآوری، ابداع و ابتکار و خلاقیت انسان و پیشرفت فن آوری و عقلانیت اقتصادی در پاسخ خردمندان به نیاز مبرم جامعه بشری در افزایش روز افزون تقاضا با توجه به رشد جمعیت و مطلوب سازی استاندارد زندگی جامعه ملل است. آزاد سازی تجاری و یکپارچه شدن بازارها اعم از بازار کالا و خدمات و بازار

جدول (۱) نرخ رشد سالانه مقدار تجارت جهانی کالا و تولید ناخالص داخلی

صادرات			واردات		
۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۳	۲۰۰۳	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۳	۲۰۰۳
۷	۳	۴/۵	۷	۳	۵
۷	-۲/۵	۱/۵	۱۰/۵	۴	۵/۵
۹/۵	-۰/۵	۴	۱۰	-۷	۰/۵
۶	۱/۵	۰/۵	۶	۵	۱/۵
۶	۱	۰/۵	۶	۰	۱/۵
۷	۸	۱۳/۵	۷/۵	۷/۵	۱۱/۵
۸/۵	۱۰/۵	۱۲	۵/۵	۸/۵	۱۱
۴/۵	۸	۵	۴/۵	۱/۵	۷
۹/۵	۸	۹/۵	۴	۶/۵	۵

الف) - شامل مکزیک است

رشد سالانه مقداری GDP جهان در سالهای 2000-1995 و 2002 و 2003 به ترتیب ۵/۱۰۳ و ۵/۲ بوده است .

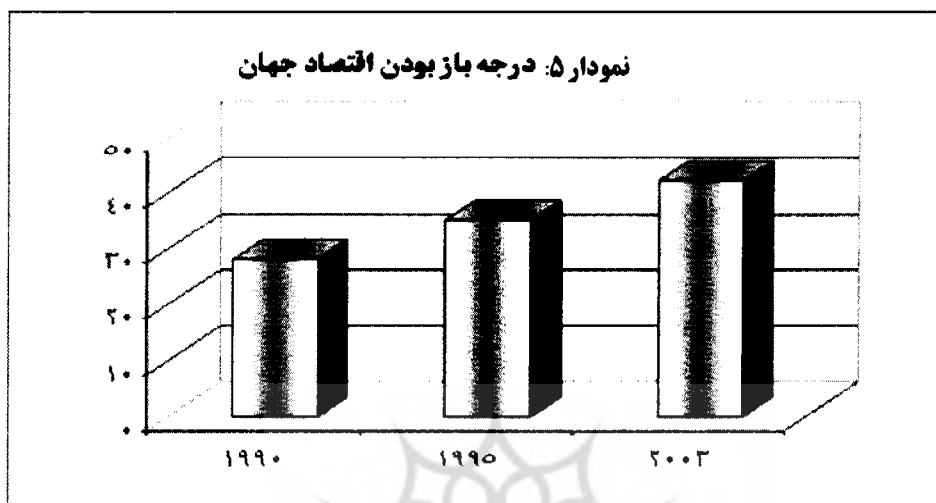
منبع : WTO , international trade statistics , world trade in 2003

کار، حذف موانع و حرکت کالا و خدمات و نیروی کار و دانش فنی (فن آوری)، گسترش فن آوری و ارتباطات و انفجار اطلاعات، با افزایش کارایی بازار از طریق رقابت، تقسیم کار و تخصص، امکان بهینه سازی منابع در بازار با مقیاس وسیع تر (بازار جهانی) و فرصت سازی برای تولید کنندگان و مصرف کنندگان را فراهم نموده و با حذف تولید غیر کارآمد حداکثر رفاه اقتصادی نصیب جامعه ملل می شود.

بدیهی است مزیت ها و منافع حاصل از تجارت آزاد بین الملل به طور یکسان بین ملل مختلف تقسیم نخواهد شد. تجربه دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان می دهد کشورهایی که سیاست های برون گرا را اتخاذ نمودند از رشد مناسبی برخوردار بودند و سهم مناسبی از منافع حاصل از تجارت آزاد و مزیت های اقتصادی کسب کردند این کشورها با سیاست های آزاد سازی و ادغام در اقتصاد جهانی از صرفه جویی های ناشی از مقیاس بازار گسترده در جهت منافع ملی خود بهره گیری کردند.

در بلند مدت فشارهای رقابتی ناشی از بازار یکپارچه منافع پویایی را در پی خواهد داشت که ناشی از مقیاس تولید (صرفه جویی های ناشی از مقیاس تولید)، تقسیم کار و تخصص و کسب تجربه برای تولید کارآمد (صرفه جویی ناشی از یادگیری)، حذف عدم کارایی های مدیریتی (چیزی که اقتصاددانان به آن عدم کارایی می گویند) و بالاخره نوآوری می باشد. در اثر آزاد سازی تجاری و اقتصادی به طور کلی سهم کشورهای در حال توسعه از تجارت جهانی از ۱۹ درصد در سال ۱۹۷۱ میلادی به ۲۹ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت (۸) در این زمینه کشورهای شرق آسیا رونق بیشتری داشتند که به کشورهای تازه صنعتی شده آسیا شهرت یافتند هر چند بحران به وجود آمده در بازارها در دهه ۱۹۹۰ این واقعیت را کاملاً آشکار کرد که جهانی شدن هم می تواند فرصت باشد و هم تهدید، فرصت های جهانی شدن بدون تهدید و بدون ریسک نیست، ریسک ناشی از انتقال سرمایه فرار و سایر ریسک های اجتماعی، اقتصادی و فساد محیطی حاصل از فقر را نمی توان نادیده گرفت. جهانی شدن آینده ای می سازد که پیش بینی و کنترل آن مشکل است و این به معنی افزایش ریسک است. ریسک های امروزی از نظر کیفی متفاوت از ریسک های زمان های قبل است و تا این اواخر جوامع انسانی را ریسک های خارجی از

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۳
صادرات و واردات جهان	۶۸۳۰/۶	۱۰۲۰۳	۱۵۲۸۱
GDP	۳۳۵۹۸/۶۵۱	۲۹۱۳۷/۴۸۴	۳۶۳۳۷/۶۶۸
درجه باز اقتصادی	۲۸	۲۵	۴۲/۱



رشد GDP است. صادرات و واردات کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و آسیای دوره مزبور روند صعودی داشته و ضمن اینکه این میزان رشد بسیار سریع تر از تجارت کالایی جهان رشد کرده است، میزان رشد مقداری صادرات در این کشورها در سال ۲۰۰۳ حدود ۱۲ درصد بوده که سه برابر میزان رشد صادرات جهان و چهار برابر میزان رشد تولید جهانی است به همان ترتیب میزان رشد مقداری واردات روند افزایشی داشته و حدود دو برابر میزان رشد واردات جهانی و بیش از چهار برابر میزان رشد تولید جهانی در سال ۲۰۰۳ است.

بر اساس اطلاعات جدول (۲) ارزش اسمی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۳ میلادی نسبت به سال ۱۹۹۰ حدود ۱/۶ برابر شده است در صورتی که حجم صادرات و واردات حدود ۲/۲ برابر شده است. با افزایش روز افزون حجم تجارت بین کشورها، بخش تجارت خارجی به طور آشکاره یک بخش بسیار پویا در اقتصاد ملی بسیاری از کشورها تبدیل شده است. از ویژگی های اقتصاد جهانی در دهه اخیر رشد سریع صادرات و واردات خدمات است. صادرات جهانی کالا در سال ۲۰۰۳ با افزایش ۱۶ درصد به ۷۵۰۳ میلیارد دلار و صادرات خدمات تجاری با ۱۳ درصد رشد به ۱۷۹۵ میلیارد دلار افزایش یافته است که سهم خدمات تجاری از کل صادرات ۱۹/۵ درصد است.

افزایش نسبت تجارت جهانی به تولید جهانی یکی دیگر از نشانه های بارز جهانی شدن اقتصاد و یکپارچه شدن بازارها و رشد وابستگی اقتصادی متقابل بین کشورهاست. در جدول (۲) این نسبت که درجه باز بودن اقتصاد جهانی نامیده می شود ارائه شده است روند آزاد سازی در اقتصاد جهانی موجب افزایش درجه باز بودن اقتصاد شده است. درجه باز بودن اقتصاد جهان از ۲۸ در سال ۱۹۹۰ میلادی به ۳۵ در سال ۱۹۹۵ و ۴۲/۱ در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است شکل (۵) این روند را نشان می دهد.

قبیل خشکسالی، زمین لرزه، قحطی و توفان که از دنیای طبیعی ناشی می شود، تهدیدی می گردد و به فعالیت انسان مربوط نبود. امروزه به طور فزاینده با انواع مختلف ریسک تولیدات مواجه هستیم که ناشی از دانش بشر و فن آوری تولید است و حاصل نتایج مداخله انسان در طبیعت است.

نسبت صادرات و واردات به GDP در کشورهای توسعه یافته بین ۱۹۸۷ و ۱۹۹۷ میلادی از ۲۷ درصد به ۳۹ درصد افزایش یافت و در کشورهای در حال توسعه نیز از ۱۰ درصد به ۱۷ درصد رشد کرد^(۹) بر اساس گزارش سال ۲۰۰۲ سازمان تجارت جهانی مطابق برآورد بانک جهانی حذف تمام موانع تجاری می تواند در آمد جهانی را به میزان ۲/۸ تریلیون دلار افزایش دهد و ۳۲۰ میلیون نفر را تا سال ۲۰۱۵ میلادی از فقر رهائی دهد. بنا بر این سال های آتی بدون شک عصر مدیریت فرصت ها و مدیریت زمان خواهد بود و تدابیر انسانی و عقلانیت اقتصادی از مؤلفه های مهم مدیریت در بازار یکپارچه جهانی و تأمین منافع ملی به شمار خواهد رفت. آزاد سازی تجاری مبتنی بر آزاد سازی اقتصادی در بازار کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و سرمایه است.

با توجه به سیاست های آزاد سازی اقتصادی از دهه ۱۹۹۰ میلادی رشد تجارت کالا و خدمات در جهان به طور قابل ملاحظه ای سریع تر از رشد تولید جهانی بوده است. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۴ میلادی تولید کالایی جهان ۵/۵ برابر شده است در صورتی که تجارت کالایی در جهان بیش از ۱۴ برابر افزایش یافته است. میزان رشد مقداری تجارت جهانی کالا به تفکیک نواحی و در کل جهان در جدول (۱) ارائه شده است.

میزان رشد مقداری GDP جهان در سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۵، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ترتیب ۳ درصد، ۱/۵ درصد و ۲/۵ درصد بوده است و میزان رشد صادرات جهانی به ترتیب در دوره مزبور ۷ درصد، ۳ درصد و ۴/۵ درصد و میزان رشد واردات به ترتیب ۷ درصد، ۳ درصد و ۵ درصد می باشد که بیش از دو برابر

شرح	درجه باز بودن اقتصاد	
	۱۹۶۰-۱۹۶۹	۱۹۸۰-۱۹۸۹
کشورهای صنعتی	۲۴/۶	۳۶/۸
آمریکای شمالی	۱۱/۷	۳۱/۹
اروپای غربی	۳۸/۹	۵۶/۹
ژاپن	۱۹/۵	۲۳/۹
کشورهای در حال توسعه	۲۸	۳۸/۴
آفریقا	۴۸/۲	۵۴/۱
آسیا	-	-
آسیای شرقی	۴۷	۸۷/۲
سایر	۱۷/۲	۳۴
خاورمیانه	۴۱/۵	۴۶/۹
نیمکره غربی	۳۲/۹	۳۷/۹

منبع: فضای بین المللی تجارت، جرالدام مایر، مترجم علی حبیبی صفحه ۲۶

توضیح: درجه باز بودن اقتصاد عبارت است از در صد مجموع صادرات و واردات کلایی اسمی به تولید اسمی

به شدت افزایش یافته و در هم آمیزی بازارهای پول و سرمایه ملی سرعت یافته است. رشد بازارهای پول، گسترش بازارهای سهام، افزایش سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، رشد حجم معاملات اوراق قرضه و اوراق بهادار در سطح بین المللی از نشانه های بارز آزاد سازی مالی و جهانی شدن اقتصاد است. جالب تر این که سرعت آزاد سازی مالی بسیار سریع تر از دو جنبه اصلی دیگر آزاد سازی اقتصادی یعنی آزاد سازی تجاری و سرمایه گذاری است. ادغام بین المللی بازارهای مالی امکان انتقال پس انداز را از کشوری که دارای مازاد و جوه است به کشوری که دارای کسری منابع و بازدهی بالایی است می دهد در نتیجه کشور وام دهنده منافعی را کسب می کند و کشور قرض گیرنده نیز امکان می یابد سرمایه گذاری را افزایش داده و از منافع حاصل از آن بهره مند شود. آزاد سازی مالی و جریان سرمایه گذاری در بازارهای ملی و تلفیق آن ها در بازار جهانی از طرفی برای سرمایه گذار این امکان را فراهم می کند که ترکیب دارایی های خود را تنوع بخشیده و در نتیجه ریسک باز دهی ثروت خود را کاهش دهد و از طرف دیگر مدیر بنگاه اقتصادی اجازه می یابد از روش های مختلف تامین منابع مالی استفاده نماید. در این میان نقش شرکت های فراملیتی بسیار حائز اهمیت است بنا به گزارش (UNDP)، ۵۰۰ شرکت ۷۰ درصد تجارت جهان و ۸۰ درصد سرمایه گذاری های خارجی را در اختیار دارند. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دهه اخیر تشدید شده است. تعداد زیادی از شرکت ها از طریق خرید شرکت های خارجی و ادغام با آن ها و سرمایه گذاری در مناطق مستعد فعالیت های بین المللی خود را گسترش داده اند. جریان FDI جهانی با ۱۴ درصد رشد نسبت به سال ۱۹۹۹ میلادی در سال ۲۰۰۰ بالغ بر بیش از ۱/۱ تریلیون دلار شده است. بنا به گزارش UNCTAD این افزایش افسانه ای بوده و در طول سه

بر اساس اطلاعات جدول (۳) نیز درجه باز بودن اقتصاد در کشورهای صنعتی از ۲۴/۶ در دهه هفتاد به ۳۶/۸ در دهه هشتاد و کشور های در حال توسعه در همین دوره از ۲۸ به ۳۸/۴ افزایش یافته است.

جدول (۴) صادرات و واردات، تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصاد را برای تعدادی از کشورها که حدود ۷۵ درصد حجم صادرات و واردات جهان و ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را شامل می شود نشان می دهد و درجه باز بودن اقتصاد به طور متوسط در این کشورها ۳۶/۸ در سال ۲۰۰۳ است و در بین آن ها سنگاپور، مالزی و بلژیک بیشترین درجه باز بودن اقتصاد را دارند که به ترتیب ۲۹۸، ۱۷۶ و ۱۶۲/۴ می باشد. رشد درجه باز بودن اقتصاد به طور کلی در جهان نشان می دهد که در دهه اخیر آزاد سازی اقتصادی در کشورها شتاب بیشتری داشته و وابستگی متقابل کشورها به علت جهانی شدن اقتصاد افزایش یافته است.

۲- آزاد سازی سرمایه گذاری و جریان سرمایه

یکی دیگر از شاخص های اصلی جهانی شدن اقتصاد جریان مستقیم سرمایه گذاری خارجی (FDI) و جریان سرمایه است. در فرآیند جهانی شدن اقتصاد، علاوه بر آزاد سازی تجارت، آزاد سازی مالی و حذف موانع حرکت سرمایه نیز صورت می گیرد. ابزارهای مالی و اوراق بهادار به کالای بین المللی تبدیل شده و بازارهای پول و سرمایه با حذف موانع موجود بر سر راه جریان منابع مالی و مقررات زدایی از نهادهای مالی یکپارچه شده و رقابت برای استفاده از منابع مالی گسترده می شود و به این ترتیب تخصیص منابع مالی و سرمایه گذاری بهینه می گردد. و با متنوع شدن ابزارهای مالی کارایی بازار سرمایه افزایش می یابد. در دهه اخیر نقل و انتقال بین المللی سرمایه

نام کشور	صادرات کالا	واردات کالا	GDP	درجه باز اقتصادی
ایالات متحده	۷۲۳/۸	۱۳۰۳/۱	۱۰۸۸۱	۱۸/۶
آلمان	۷۴۸/۳	۶۰۱/۷	۲۴۰۰	۵۶/۳
اندونزی	۶۱	۳۲/۶	۲۰۸/۳	۴۴/۹
انگلستان	۳۰۴/۶	۳۹۰/۸	۱۷۹۴	۳۸/۷
اتریش	۹۵/۸	۹۸	۲۵۱,۰	۷۷/۳
ایتالیا	۳۹۳/۱	۳۹۰/۸	۱۴۶۵	۳۹/۷
اسپانیا	۱۵۱/۷	۳۰۱	۸۳۶,۰	۴۳/۱
استرالیا	۷۱/۵	۸۹/۱	۵۱۸,۰	۳۱
مالتزی	۹۹/۴	۸۱/۹	۱۰۳,۰	۱۷۶
مکزیک	۱۶۵/۴	۱۷۸/۵	۶۳۶,۰	۵۴/۹
هلند	۳۹۴/۱	۲۶۳/۸	۵۱۱/۵	۱۰۸/۸
بلژیک	۲۵۵/۳	۲۳۵/۴	۳۰۳,۰	۱۶۳/۴
برزیل	۷۳/۱	۵۰/۷	۴۹۳/۳	۳۵/۱
تایلند	۸۰/۵	۷۵/۸	۱۴۳/۱	۱۰۹/۳
جمهوری کره	۱۹۳/۸	۱۷۸/۸	۶۰۵/۳	۶۱/۵
چین	۴۳۷/۹	۴۱۳/۱	۱۴۰۹/۸	۶۰/۳
هند	۵۶,۰	۱۰,۰	۵۹۹,۰	۳۱/۱
دانمارک	۶۷/۴	۵۷/۸	۳۱۲/۴	۵۸/۹
ژاپن	۴۷۱/۸	۳۸۳/۹	۴۳۳۶/۴	۱۹/۷
سنگاپور	۱۴۴/۱	۱۳۷/۹	۹۱,۰	۳۹۸
سوئیس	۹۹/۴	۹۵/۳	۳۰۹	۶۳/۹
سوئد	۱۰۱/۳	۸۳/۷	۳۰۰/۷	۶۱/۱
عربستان	۸۸/۵	۳۶/۳	۱۸۸/۴	۶۶/۳
فدراسیون روسیه	۱۳۴/۴	۷۴/۳	۴۳۳/۴	۴۸/۱
فرانسه	۳۸۶/۷	۳۹۰/۵	۱۷۴۷/۹	۴۷/۱
کل کشورهای فوق	۵۵۹۷/۸	۵۸۰۳/۳	۳۰۷۵۴/۵	۳۷
جهان	۷۵۰۳	۷۷۷۸	۳۶۳۳۷/۶	۴۳/۱

منابع: صادرات و واردات

WTO INTERNATIONAL TRADE STATISTICS WORLD TRADE IN ۲۰۰۳

WORLD BANK

GDP

جدول شماره (۵) - جریان FDI در سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۹۰ میلادی
مبالغ: میلیارد دلار

شرح	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
جهان	۲۰۹	۱۶۰	۱۷۲	۲۲۶	۲۵۶	۳۳۱	۳۷۷	۴۷۳	۶۸۳	۹۸۲	۱۱۱۸
کشورهای توسعه یافته	۱۷۲	۱۱۴	۱۱۳	۱۳۹	۱۴۵	۲۰۴	۲۲۰	۲۷۶	۴۸۵	۷۷۰	۸۹۹
کشورهای در حال توسعه	۳۷	۴۳	۵۵	۸۱	۱۰۵	۱۱۲	۱۴۵	۱۷۸	۱۷۸	۱۹۰	۱۹۰
اروپای مرکزی و شرقی	۱	۳	۴	۷	۶	۱۴	۱۳	۱۹	۲۰	۲۱	۳۰

تخمین مقدماتی بر اساس ۵۰ کشور عمده میزبان (۲۲ کشور توسعه یافته و ۲۸ کشور در حال توسعه) و اروپای مرکزی و شرقی به عنوان یک منطقه

UNCTAD PRESS .RELEASE DECEMBER 2000.

منبع:

جدول شماره (۶) - سهم جریان FDI در سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۹۰ میلادی در مناطق مختلف

شرح	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کشورهای توسعه یافته	۸۲/۲	۷۱/۳	۶۵/۷	۶۱/۵	۵۶/۶	۶۱/۶	۵۸/۳	۵۸/۳	۷۱	۷۸/۴	۸۰/۴
کشورهای در حال توسعه	۱۷/۷	۲۶/۸	۳۲	۳۵/۸	۴۱	۳۳/۸	۳۸/۵	۳۷/۶	۲۶	۱۹/۳	۱۷
اروپای مرکزی و شرقی	/۱	۱/۹	۲/۳	۲/۷	۲/۴	۴/۶	۳/۲	۴/۱	۳	۲/۳	۲/۶

توضیح: سهم بر اساس اطلاعات جدول شماره (۵) محاسبه شده است.

سرمایه می دهد. روند جریان FDI در دوره مزبور در نمودار (۶) نشان داده شده است.

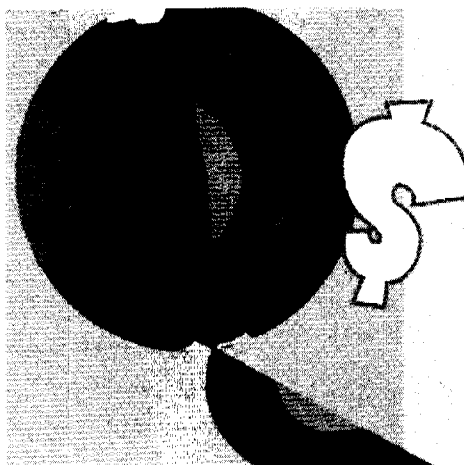
چالش های پیش رو

جهانی شدن پدیده ای است که خلق شده است و آن حاصل تمدن بشری است که در ویرانه های جنگ متولد شده و رشد می کند و یکی از جنبه های اصلی آن بعد اقتصادی است و با توجه به رشد جمعیت جهانی و افزایش روز افزون تقاضا در پاسخ به نیاز جامعه ملل و انفجار اطلاعات و گسترش ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد امری اجتناب ناپذیر است و فرآیند تکاملی را در بستر آزادی اقتصادی و رقابت طی می کند و با پیوستن بازارهای ملی به یکدیگر و یکپارچه شدن بازارها فرصت ها و تهدید هائی را می آفریند و جامعه جهانی در اقیانوسی وارد شده است که شناگران ماهر به صید مزیت ها می پردازند و کسانی که با اصول و فنون شنا آشنا نیستند در آن غرق می شوند. دانا محورها با تمرین شنا با محیط انس می گیرند و از مزایای آن بهره مند می شوند و با رعایت قواعد بازی از آن منتفع می گردند و منافع ملی را تامین می کنند و دیگران را نیز منتفع می سازند و تهدیدها را به فرصت تبدیل می کنند وقوع پدیده جهانی شدن قطعی اما نتایج آن غیر قطعی است.

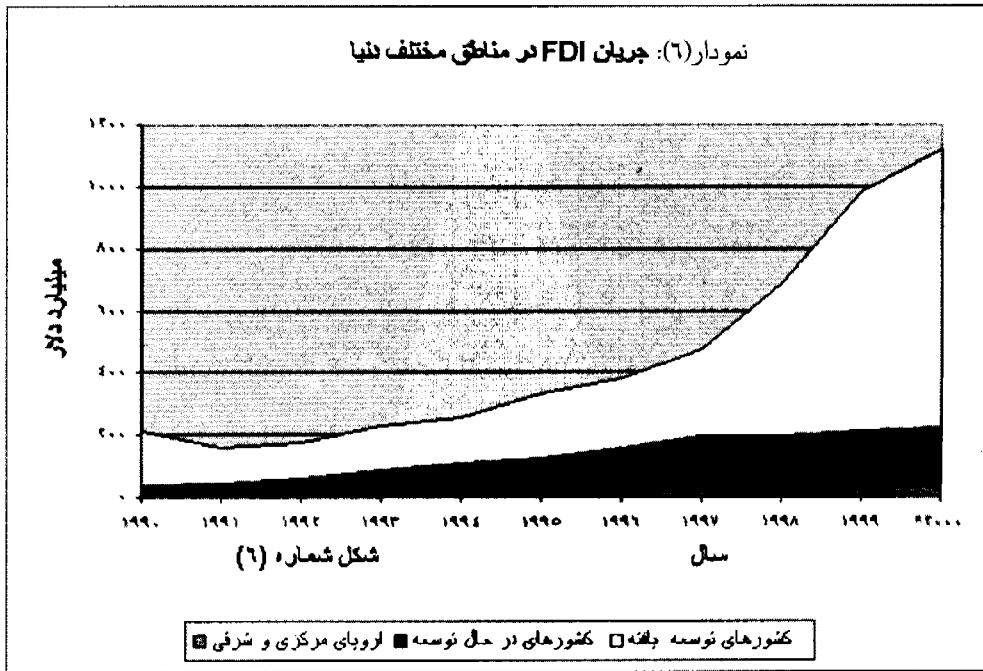
سال جریان FDI دو برابر شده است. و یک دهه قبل از آن جریان سالانه کل FDI حدود ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است. روند جریان FDI در مناطق مختلف جهان در سال های ۲۰۰۰ - ۱۹۹۰ میلادی در جدول (۵) ارائه شده است و سهم جریان FDI در مناطق مختلف دنیا نیز در جدول (۶) محاسبه شده است.

حجم کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۰ نسبت به اول دهه ۱۹۹۰ حدود پنج برابر شده است. سهم کشورهای در حال توسعه تا سال ۱۹۹۴ میلادی روند افزایشی داشته و بالغ بر ۴۱ درصد شده است و سپس روند نزولی را طی نموده و در سال ۲۰۰۰ سهم این کشورها ۱۷ درصد بوده است. بیشترین کاهش جریان FDI در داخل کشورهای در حال توسعه مربوط به آرژانتین می باشد و افزایش جریان FDI در مصر، تانزانیا در آفریقا،

مکزیک و ونزوئلا در آمریکای لاتین و مالزی و تایوان در آسیا بین سایرین بوده است. جریان FDI از یک سو در گرو آزاد سازی اقتصادی است و از سوی دیگر موجب پیوستن اقتصاد داخلی به اقتصاد بین المللی از طریق انتقال دانش فنی و فن آوری و گسترش صادرات می شود. این جریان با تحلیل شرایط بین المللی توسط صاحبان سرمایه از مناطق ناامن به سمت مناطق امن حرکت می کند و کشور میزبان ضمن برخورداری از مزیت آن اجازه کسب سود به صاحب



نمودار (۶): جریان FDI در مناطق مختلف دنیا



شکل شماره (۶)

کشورهای توسعه یافته □ کشورهای توسعه در حال توسعه ■ اروپای مرکزی و شرقی ■

و فقیرترین کشورهای جهان تقریباً ۳ به ۱ در ۱۸۲۰، ۱۱ به ۱ در ۱۹۱۳، ۳۵ به ۱ در ۱۹۵۰ و ۷۲ به ۱ در ۱۹۹۲ میلادی بود. در قرن گذشته درآمد سرانه یک - چهارم ثروتمندترین جمعیت جهان حدوداً ۶ برابر شده و در صورتی که یک - چهارم فقیرترین جمعیت جهان کمتر از ۳ برابر شده است و این هشدار را به پرچمداران نظام اقتصاد بین الملل است که برای جبران خسارت‌های ناشی از عدم امکان توزیع برابر درآمدها و مزایای ناشی از پدیده جهانی شدن، بایستی نظام جامع تامین اجتماعی و ساز و کارهای مناسب بین المللی را طراحی نمایند در غیر این صورت تشدید نابرابری درآمدها، ریسک‌های اجتماعی و اقتصادی را افزایش داده و بی‌ثباتی و آشوب‌های سیاسی، اجتماعی را در قرن ۲۱ به جامعه جهانی تحمیل خواهد کرد و این پیامد، مزیت جهانی شدن اقتصاد را کم رنگ خواهد کرد.

پی نوشت ها:

- 1- OPTIMAL RESOURCE ALLOCATION
- 2- ECONOMIC EFFICIANCE
- ۳ - سازمان‌های پولی و مالی بین المللی، حسن گلریز، انتشارات مؤسسه بانک‌داری ایران، چاپ دوم ۱۳۷۲.
- ۴ - بازی با جمع مثبت (Positive-sum game) به آن نوع بازی گفته می‌شود که سود یک‌بازیکن بیش از زیان بازیکن دیگر بوده و در مجموع سود خالص وجود دارد.
- 5- WOROLD TRADE ORGANIZATION
- 6- ASSOCIATION OF SOUTH EAST ASIAN NATION2
- 7- ORAGANIZATION OF ECONOMIC COOPERATION AND DEVELOPMENT
- 8- ECONOMIC AND SOCIAL COMISION OF AREA PACIFIC
- 9-NORTH AMERICAN FREE TRADE AGREEMENT
- 10- EUROUP UNION
- 11- Globalization :threat or opportunity by IMF Staff April 12 .2000
- 12- Globalization: The world bank Group

نتایج آن به تدبیر انسان و مدیریت فرصت‌ها و تهدیدها بستگی دارد. این پدیده مرزهای ملی و حاکمیت‌های سیاسی و تفکرهای یک‌جانبه را کم رنگ خواهد کرد و نظم نوین اقتصادی را بر مبنای مدیریت جهانی بنا خواهد کرد این به معنای خلق یک جهان واحد نیست بلکه یک بازی رقابتی با جمع مثبت است . جهانی شدن اقتصاد غربی شدن نیست بلکه مدیریت جهانی و تصمیم‌سازی بر مبنای مشارکت است و شرط سود جستن از آن به کار بستن عقلانیت اقتصادی و مدیریت زمان در عصر اطلاعات و ارتباطات است. این فرآیند با توجه به شرایط بازارها و توزیع جغرافیایی منابع اقتصادی در مصادره و اختیار بلامنازع قدرت‌ها نیز نیست بلکه میدان چانه زنی در مناسبات بین المللی است و می‌توان با ایجاد ساز و کارهای مناسب به طور سازمان یافته با چالش‌ها و تهدیدها روبرو شد و فرصت‌ها را از آن خود کرد و در فرآیند جهانی شدن اقتصاد تاثیر گذاشت. در این فرآیند کم رنگ شدن استقلال‌های ملی و اقتصادی، تلفیق فرهنگ‌های متفاوت با ارزش‌های متفاوت، سیاست‌گذاری‌های ملی و یک جانبه، عدم امکان توزیع مناسب منافع و مضار جهانی شدن اقتصاد از جمله چالش‌هایی می‌باشد که صاحبان خرد به رویارویی با آن نمی‌اندیشند بلکه به سود جستن از آن می‌پردازند و به موازات آن حرکت می‌کنند در غیر این صورت خود بزرگ بینی دولت‌ها هزینه‌ای را در بر خواهد داشت که توسط شهروندان پرداخت خواهد شد.

در فرآیند پیچیده جهانی شدن به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و عوامل طبیعی و جغرافیایی توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها امکان پذیر نبوده و توزیع نابرابر درآمدها و مزیت‌ها اجتناب ناپذیر می‌باشد و توزیع نابرابر درآمد و فشارهای سیاسی ناشی از آن از چالش‌های اصلی دولت‌ها خواهد بود. به گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۹ میلادی درآمد متوسط یک - پنجم جمعیت جهان که در ثروتمندترین کشورها زندگی می‌کنند ۷۴ برابر بزرگتر از درآمد متوسط یک - پنجم جمعیت که در فقیرترین کشورها زندگی می‌کنند، بوده و در اواخر دهه ۱۹۹۰، ۲۰ درصد جمعیت جهان ۸۶ درصد مصرف کل جهان، ۸۲ درصد بازارهای صادرات و ۷۴ درصد خطوط تلفن را به خود اختصاص دادند (UNDP, 1999). فاصله بین ثروتمندترین